



تردید بن سلمان در قبال ایران

تحلیلی از شهاب شهسواری و گفت و گویی با رحمن قهرمانپور
در باره مواجهه عربستان با فشار حداکثری



گزارش
شهر
۲۰۳

اتوبوس برقی یا ماشین دودی

بررسی واردات «خودروهای برقی» و «تراموا»
از چین توسط شهرداری تهران



نقد در بستر تفنن

مقالاتی در نقد ارتباط دادن فاشیسم
با ایده ایرانی‌شهری سید جواد طباطبائی در سالگرد درگذشت او



اصلاح طلبان و موانع پیش روی پزشک‌کیان

ارزیابی علی شکوری‌راد، رسول منتجب‌نیا و علی باقری از سخنرانی اخیر خاتمی

میانجی روسی

بررسی سفر سرگئی لاوروف
وزیر امور خارجه روسیه
به تهران و مذاکرات او
با مقامات ایران
در گفت و گو با
الهه کولایی
و شعیب بهمن



سرمقاله
ایران و موضع
احتمالی روسیه

شاید آیندگان هنگامی که به مرور این سال‌ها می‌رسند، آن را به‌عنوان دوره زمانی گذر به دنیای جدید تصویر و معرفی کنند و به نظرشان مردمی که در این دوره می‌زیسته‌اند، رویدادها و تحولات مهمی را تجربه کرده‌اند. در حالی که ما به‌عنوان کسانی که در متن این تحولات هستیم، به دلیل همراهی آرام با آنها چندان به اهمیت ماجرا پی نبریم و برای مان امری عادی بنماید. این تحولات در اصل ریشه فن‌آورانه و اقتصادی دارد و در مرحله بعد در سیاست داخلی و بین‌الملل کشورها بازتاب دارد. اقتصاد دیجیتال و رمزارزها، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، فن‌آوری‌های نظامی، سلاح‌های هایپرسونیک، جنگ سایبری، حضور بازیگران جدید و قدرتمند جهانی، رشد انرژی‌های سبز، تغییرات اجتماعی، پیشرفت‌های ژنتیک و سلول‌های بنیادی، سلاح‌های زیستی، و حتی آغاز تحولات مهم در رسانه‌ها و آموزش و نهاد‌های آن و... نمودهای مهم این تحولات هستند. متناسفانه جامعه ایران هنوز نتوانسته است نگاهی متوازن و عینی به این تحولات، از جمله به رفتار قدرتهای جهانی پیدا کند. این نگاه اغلب متأثر از آموزه‌های گذشته و تابع حب و بغض‌های تاریخی و به‌صورت صفر و یک است. در حالی که سیاست خارجی واقعی کشورها تابع منافع ملی آنهاست. منافعی که بر اثر تحولات جدید جهانی دچار تغییر و تحول می‌شود و شده است. چه کسی فکر می‌کرد که با آمدن ترامپ، روابط اروپا با آمریکا تا این اندازه دچار تحول شود؟ بعید است که کسی پیش از این چنین تصور و تحلیلی داشته باشد. ولی اکنون شاهد آن هستیم. لذا باید نگاه را به حال و آینده معطوف کرد و موقتاً دور گذشته را خط کشید. برای این منظور، باید انعطاف فکری داشت و سناریوهای گوناگون را محتمل دانست. همانگونه که مذاکرات روسیه و آمریکا نتایج غیرمنتظره‌ای داشته است؛ این احتمال را جدی یا حداقل ممکن بدانیم که روسیه برخلاف انتظار بسیاری از تحلیلگران واسطه حل مسائل فی‌مابین ایران و ایالات متحده شود و سفر لاوروف می‌تواند مقدمه چنین میانجیگری شود. امری که ظاهراً خلاف گزاره‌های رایج است؛ گزاره‌هایی که معتقدند روسیه نمی‌خواهد تنش میان ایران و آمریکا کم شود. یا این گزاره بدبینانه که روسیه با برگ ایران بازی خواهد کرد و امثال این نوع گزاره‌ها. چرا چنین احتمالی را باید جدی گرفت و از آن استقبال کرد؟ مهمترین شاهد آن مسئله اوکراین است. اوکراین یک حلقه مهم از زنجیره سیاست راهبردی غرب برای محکم‌تر کردن کمربند امنیتی ناتو علیه روسیه بود. ادعاهای روسیه در نقش غرب برای ایجاد این تنش به‌ویژه از ۲۰۱۴ به این سو واجد گزاره‌هایی است که قابل انکار نیست. ۵

لاوروف حامل چه پیامی بود؟



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم‌میهن

سفر یک‌روزه سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه به تهران، بسیار مهتمتر و متفاوت‌تر از سفر قبلی او به ایران در آبان سال ۱۴۰۲ به نظر می‌رسد. آقای لاوروف به احتمال زیاد به مقام‌های جمهوری اسلامی توضیح داده است که با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، جهانی تازه با روابطی تازه ظهور کرده است و ایران به‌ناگزیر باید خود را با واقعیت جدید هم‌ساز و هماهنگ کند. تا همین دو ماه پیش، نظم جهانی حول تعارض آمریکا و اروپا از یک طرف و روسیه و چند متحد نزدیکش از طرف دیگر بر سر جنگ اوکراین تعریف می‌شد، اما اینک به طرفة‌العینی کل این معادله از بنیاد عوض شده و آمریکای ترامپ با قرار گرفتن در کنار روسیه پوتین، اروپا را به حاشیه برده و رئیس‌جمهور جسور اوکراین را به بدترین وضعی تحت فشار گذاشته است. دونالد ترامپ برای پایان دادن به جنگ اوکراین و نجات ولادیمیر پوتین از انزوا و یک جنگ فرسایشی بی‌سرانجام، از هر جهت مصمم است تا بدانجا که به متحدان تاریخی خود در اروپا پشت کرده و به مخالفت با قطعنامه‌ای در سازمان ملل برخاسته است که روسیه را طرف متجاوز جنگ معرفی می‌کند. ترامپ بدون تردید عاشق چشم و ابروی پوتین و مشتاق تأمین منافع روسیه نیست و در مقابل خدمتش انتظارات مشخصی از کرملین دارد. انتظارات ترامپ از کرملین ظاهراً کمک به اجرای همان نقشه‌ای است که در همان ابتدای حمله روسیه به اوکراین سوی طیفی از جمهوریخواهان حامی جناح راست افراطی اسرائیل در آمریکا مطرح شد. در آن دوران، انتقالی بنت نخست‌وزیر و یائیر لپید وزیر خارجه اسرائیل بودند. بنت خاستگاهش راست افراطی و لپید راست میانه بود. با این حال، هیچ‌کدام حاضر به محکوم کردن صریح حمله روسیه به خاک اوکراین نشدند و به جای موضع‌گیری شفاف، نوعی لفاظی مبهم و دوپهلوی را انتخاب کردند. در واقع پس از اعمال فشار سنگین جو بایدن رئیس‌جمهور و آنتونی بلینکن وزیر خارجه وقت آمریکا، مقام‌های اسرائیلی مجبور به تغییر لحن خود شدند و به صف محکوم‌کنندگان نه‌چندان پرشور تجاوز روسیه به خاک اوکراین پیوستند. در آن زمان، علت بی‌میلی مقام‌های اسرائیلی برای محکوم کردن مسکو، به نیاز آنها به چشم بستن روسیه بر روی حملات جنگنده‌های ارتش اسرائیل به اهدافی در خاک سوریه نسبت داده می‌شد، اما موضوع پیچیده‌تر از این بود. ۷

عکس: مجید عسکری پور / WANA/Reuters